

تلخیص اصول فقہ

علامہ محمد رضا مظفر

تلخیص

ابوذر احمدی

میثم احمدی

انتشارات مجاہدانہ

سرشناسه	مظفر، محمدرضا، ۱۹۰۴-۱۹۶۴ م.
عنوان قراردادی	اصول الفقه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	تلخیص اصول فقه/ محمدرضا مظفر؛
مشخصات نشر	تلخیص: میثم احمدی، ابوذر احمدی
مشخصات ظاهری	تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵
شابک	۱۳۶ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	۲- ۴۶۰- ۱۵۸- ۶۰۰- ۹۷۸
موضوع	فیپا
موضوع	اصول فقه
موضوع	Islamic Law- - Interpretation and Construction :
شناسه افزوده	احمدی، میثم، ۱۳۶۸-
شناسه افزوده	احمدی، ابوذر، ۱۳۶۴-
رده‌بندی کنگرد	۱۳۹۵ ۴۱ الف ۶۰ م/ ۱۵۵ BP
رده‌بندی دی‌سی	۲۹۷/۳۱۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۲۸۷۱۶



عنوان کتاب: تلخیص اصول فقه
تلخیص: میثم احمدی، ابوذر احمدی
ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل
ناظر فنی: امین لشکری
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵
قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۷۰۰۰ ریال
شابک: ۲- ۴۶۰- ۱۵۸- ۶۰۰- ۹۷۸

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)
email: info@junglepub.org

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰
۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای گردآوردگان محفوظ است»

پیشگفتار

کتاب اصول فقه علامه مظفر(ره) یکی از کتب اصولی پایه و بنیادین در حوزه و دانشگاه است. این کتاب در کنار سادگی، حق مطالب را به خوبی اداء نموده است و بسیاری از مطالب را در نهایت دقت و امعان نظر بیان نموده است.

بی تردید برای فهم دقیق مباحث اصول فقه خواندن کتاب اصلی ضروری و غیرقابل اجتناب است اما در کنار کتاب اصلی، خواندن تلخیص این کتاب خالی از لطف نیست.

کتاب پیشرو ضمن رعایت چهار چوب اصلی و عبارات مرحوم مظفر(ره) در صدد بیان مطالب به روش خاصه ای باشد امید آن که این مختصر راه گشای بسیاری از طالبان علم قرار گیرد.

فهرست مطالب

۱.....	مدخل
۱.....	حکم دلبا
۱.....	موضوع علم اصول
۲.....	فایده علم اصول
۳.....	مقدمه
۳.....	۱. حقیقت وضع
۳.....	۲. واضع چه کسی است؟
۴.....	۳. وضع تعیینی و وضع تعینی
۴.....	۴. اقسام وضع
۵.....	۵. ممتنع بودن قسم چهارم
۶.....	۶. وقوع قسم سوم
۷.....	۷. نتیجه
۷.....	۸. باطل بودن قول اول و دوم
۸.....	۹. وضع حروف، وضع عام و موضوع له خاص
۸.....	۱۰. استعمال حقیقی و مجازی
۸.....	۱۱. دلالت، تابع اراده است
۹.....	۱۲. وضع شخصی و وضع نوعی
۱۰.....	۱۳. وضع مرکبات
۱۰.....	۱۴. حقیقت و مجاز

۱۵. اصول لفظیه..... ۱۲
۱۶. حجیت اصول لفظیه..... ۱۴
۱۷. ترادف و اشتراک..... ۱۴
۱۸. استعمال لفظ در بیش از یک معنا..... ۱۵
۱۹. حقیقت شرعیه..... ۱۵
۲۰. صحیح و اعم..... ۱۶
۲۱. دفع یک اشکال..... ۱۷
۲۲. نزاع صحیح و اعم در معاملات به معنی مسببات، جاری نمی‌شود..... ۱۸
- مقصد اول: مبانی الفاظ..... ۱۹**
- باب اول مشتق..... ۱۹
۱. مراد از مشتق مورد بحث چیست؟..... ۱۹
۲. نزاع مشتق بر سه مان جاری است..... ۲۰
۳. اختلاف مشتق از جهت مبدأ..... ۲۱
- باب دوم: اوامر..... ۲۱
- مبحث اول: ماده امر..... ۲۱
۱. در معنای امر، علو شرط است..... ۲۲
۲. لفظ امر بر وجوب دلالت می‌کند..... ۲۲
- مبحث دوم: صیغه امر..... ۲۲
۱. صیغه امر، ظهور در وجوب دارد..... ۲۲
۲. واجب تعبدی و توصلی..... ۲۳
۳. محل نزاع در وجوه قصد قربت..... ۲۳
۴. عدم امکان اطلاق و تقیید در تقسیمات ثانویه..... ۲۳
۵. واجب عینی و اطلاق صیغه امر..... ۲۴
۶. واجب تعیینی و اطلاق صیغه امر..... ۲۵
۷. واجب نفسی و اطلاق صیغه امر..... ۲۵

۲۵	۸. فور و تراخی.....
۲۵	۹. مره و تکرار.....
۲۶	۱۰. آیا نسخ وجوب دلالت بر جواز می‌کند؟.....
۲۶	۱۱. دو مرتبه امر کردن به چیزی.....
۲۷	۱۲. امر به امر بر وجوب دلالت می‌کند.....
۲۸	خاتمه: تسمیات واجب.....
۲۸	۱. واجب مطلق و مشروط.....
۲۸	۲. واجب معلق و منجز.....
۲۹	۳. واجب اصلی و تبعی.....
۲۹	۴. واجب تخییر و تعیینی.....
۳۰	۵. واجب عینی و تقنی.....
۳۰	۶. واجب موسع و مضیق.....
۳۱	۷. آیا قضا تابع اداء است؟.....
۳۲	باب سوم: نهی.....
۳۲	۱. مطلوب در نهی چه چیزی است؟.....
۳۲	۲. دلالت صیغه نهی بر دوام و تکرار.....
۳۳	باب چهارم: مفاهیم.....
۳۳	۱. نزاع در حجیت مفهوم.....
۳۳	۲. مفهوم شرط.....
۳۴	۳. هرگاه شرط متعدد و جزاء واحد باشد.....
۳۵	۴. مناط در مفهوم شرط.....
۳۷	۵. تداخل مسببات.....
۳۷	۶. اصل عملی در مسأله تداخل اسباب و مسببات.....
۳۷	۷. مفهوم وصف.....
۳۸	۸. مفهوم غایت.....

۹. مفهوم حصر ۳۹
۱۰. مفهوم عدد ۴۰
۱۱. مفهوم لقب ۴۱
- خاتمه: جایگاه دلالت‌های سه گانه (اقتضاء، تنبیه، اشاره) ۴۱**
۱. حجیت این سه دلالت ۴۲
- باب پنجم: عام و خاص ۴۲
- تمهید ۴۲
۱. اطلاق عام ۴۳
۲. اطلاق عموم ۴۴
۳. مخصص مثل و منفصل ۴۴
۴. آیا استعمل عام مخصص (باقیمانده افراد پس از تخصیص) مجاز است؟ ۴۵
۵. حجیت عام مخصص، در باقیمانده افراد ۴۶
۶. آیا اجمال مخصص عام سرائیه می‌کند؟ ۴۶
۷. وقتی مخصص لبی بسند و شک به عام در شبهه مصداقیه جایز است ۴۷
۸. عمل کردن به عام، قبل از جیت و نحو و فحش از مخصص جایز نیست ۴۷
۹. به دنبال آمدن ضمیری برای عام که در برخی از افراد عام برمی‌گردد ۴۷
۱۰. به دنبال آمدن استثناء بعد از چند عام ۴۸
۱۱. تخصیص عام به وسیله‌ی مفهوم ۴۹
۱۲. دوران بین تخصیص و نسخ ۵۰
- باب ششم: مطلق و مقید ۵۱
۱. اطلاق و تقیید ملازم یکدیگرند ۵۱
۲. اطلاق در جملات ۵۲
۳. آیا اطلاق به وضع است ۵۲
۴. اعتبار ماهیات هنگام حکم بر آن ۵۳
۵. مقدمات حکمت ۵۴

۵۴.....	۶. دو تنبیه.....
۵۶.....	۷. مطلق و مقید متنافیان.....
۵۷.....	باب هفتم: مجمل و مبین.....
۵۸.....	مقصد دوم: ملازمات عقلیه.....
۵۹.....	۱. اقسام دلیل عقلی.....
۵۹.....	۲. ا. مباحث احکام عقلی، ملازمات عقلی هستند.....
۵۹.....	باب اول: استقلال عقلیه.....
۵۹.....	مقدمه.....
۶۰.....	مبحث اول: حسن و قبح عقلی.....
۶۰.....	۱. معنای حسن و قبح و تحریر محل نزاع.....
۶۱.....	۲. واقعی بودن حسن و قبح در معانی مختلف آن و نظریه اشاعره.....
۶۱.....	۳. عقل عملی و عقل نظری.....
۶۲.....	۴. اسباب حکم عقل عملی به حسن و قبح.....
۶۳.....	۵. حسن و قبح ذاتی.....
۶۳.....	۶. ادله اشاعره و عدلیه در اثبات نظر مختارشان.....
۶۵.....	۷. ثبوت ملازمه بین حکم عقل و شرع.....
۶۵.....	باب دوم: غیر مستقلات عقلیه.....
۶۵.....	مسأله اول: اجزاء.....
۶۸.....	مسأله دوم: مقدمه واجب.....
۶۱.....	۱. تحریر محل نزاع.....
۶۸.....	۲. مقدمه واجب از کدام قسم از مباحث اصولی است.....
۶۹.....	۳. ثمره نزاع.....
۶۹.....	۴. واجب نفسی و غیره.....
۷۰.....	۵. معنای تبعیت در وجوب غیره.....
۷۱.....	۶. مقدمات مفوته.....

۷. مقدمه عبادیه ۷۲
۸. مقدمه واجب و اقوال در مورد آن ۷۳
- مسأله سوم: مسأله ضد ۷۳
۱. ضد عام ۷۴
۲. ضد خاص ۷۵
۳. مسلک تلازم ۷۵
۴. مسلک مقدمیت ۷۵
۵. مسأله ضد ۷۶
۶. ترتیب ۷۶
- مسأله چهارم: اجتماع امر و نهی ۷۷
۱. تحریر اصل نزع ۷۷
۲. مسأله اجتماع امر و نهی، جزء ملازمات عقلیه از قسم غیر مستقلات عقلیه است ۷۸
۳. قید مندرجه ۷۸
۴. فرق باب تعارض و تراحم و مسأله اجتماع امر و نهی ۷۹
۵. نظر مختار علامه مظفر (ره) در باب اجتماع امر و نهی ۸۰
۶. تعدد عنوان موجب تعدد معنوی نمی‌شود ۸۰
۷. ثمره نزاع در اجتماع امر و نهی ۸۱
۸. حرمت یا وجوب خروج از منزل غصبی ۸۱
۹. صحت نماز در حال خروج ۸۲
- مبحث پنجم: دلالت نهی بر فساد ۸۲
۱. نهی در عبادات و معاملات ۸۳
- مقصد سوم: معنای حجت ۸۴**
۱. مدلول کلمه اماره و ظن معتبر ۸۵
۲. ظن نوعی ۸۵

۳. اماره و اصل عملی ۸۵
۴. ملاک در اثبات حجیت اماره ۸۶
۵. حجیت علم ذاتی است ۸۶
۶. موطن حجیت امارات ۸۷
۷. ظن خاص و ظن مطلق ۸۷
۸. مقدمات انسداد ۸۸
۹. اشراف احکام میان عالم و جاهل ۸۸
۱۰. تسخیر جعل امارات ۸۹
۱۱. اماره طایق است یا سبب؟ ۹۰
۱۲. مصلحت تاریک ۹۱
۱۳. حجیت امری اعتبار است یا انتزاعی؟ ۹۲
- باب اول: قرآن کریم ۹۴
۱. نسخ در قرآن واقع شده است و اصل عدم نسخ است ۹۴
- باب دوم: سنت ۹۴
۱. دلالت فعل معصوم ۹۵
۲. دلالت تقریر معصوم (ع) ۹۶
۳. خبر واحد ۹۶
۴. ادله حجیت خبر واحد از قرآن ۹۶
۵. ادله اثبات حجیت خبر واحد از سنت ۹۷
- باب سوم: اجماع ۹۷
۱. ادله اجماع از دیدگاه اهل سنت ۹۸
۲. اجماع از نظر امامیه ۹۹
۳. اجماع منقول ۱۰۲
- باب چهارم: دلیل عقلی ۱۰۳
۱. وجه حجیت عقل ۱۰۴

- باب پنجم: حجیت ظواهر ۱۰۵
۱. حجیت قول لغوی ۱۰۶
۲. دلیل حجیت ظهور ۱۰۷
- باب ششم: شهرت ۱۰۷
- باب هفتم: سیره ۱۰۸
۱. حجیت سیره متشرعه ۱۱۰
۲. میزان دلالت سیره ۱۱۰
- باب هشتم: قیاس ۱۱۰
۱. ادله حجیت قیاس ۱۱۰
- باب نهم: تعارض و ترجیح ۱۱۲
۱. مرجحات متضاده ۱۱۳
۲. برتری میان مرجحات ۱۱۴
۳. تعدی از مرجحات مندرجه ۱۱۶
- مقصد چهارم: اصول عملیه ۱۱۸**
۱. استصحاب ۱۱۸
۲. مقومات استصحاب ۱۱۸
۳. معنای حجیت استصحاب ۱۱۹
۴. تذکرات مربوط به استصحاب ۱۱۹

مدخل

تعریف اصول فقه: علمی است که بحث می‌کند از قواعدی که نتیجه آن در استنباط احکام شرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حکم و دلیل

حکم شرعی است یا ظاهری و دلیل نیز اجتهادی است یا فقهاتی.

حکم واقعی: حکمی است که ثابت است برای چیزی از آن جهت که فی نفسه فعلی از افعال است مانند وجوب نماز. بنابراین وجوب ثابت است برای نماز از آن جهت که در اسلام و دلیلی را که بر حکم واقعی دلالت می‌کند دلیل اجتهادی می‌گویند.

حکم ظاهری: حکمی که ثابت است برای شیء از آن جهت که حکم واقعی مجهول است. دلیلی که بر حکم ظاهری دلالت می‌کند دلیل ظاهری می‌گویند. مانند اینکه فردی به وجوب اقامه در نماز شک کند و دلیلی وجود نداشته باشد حکم در اینجا برائت از وجوب اقامه نماز است و این حکم ظاهری است.

ادله اجتهادی: کتاب، سنت، اجماع و عقل

ادله فقهاتی: اصل برائت، اصل احتیاط، اصل تخییر، اصل استصحاب.

موضوع علم اصول

این علم عهده‌دار موضوع خاصی نیست بلکه بحث می‌کند از هر چیزی که در هدف بنیادی علم اصول دخالت داشته باشد یعنی هر چیزی که در استنباط حکم شرعی دخیل باشد. ما ملتزم نیستیم به اینکه در هر علم باید از عوارض ذاتی آن علم بحث شود.

فایده علم اصول

هر مسلمان و متشرعی می‌داند که هر فعل اختیاری انسان، تحت عنوان یکی از احکام تکلیفی از قبیل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه قرار دارد. و همه این احکام بر مکلفین روشن نیست. بنابراین علم اصول فقه برای اثبات احکام شرعی تدوین یافته است.

www.ketab.ir

مقدمه

۱. حقیقت وضع

شکی نیست که دلالت الفاظ بر معانی ذاتی نیست و دلالت الفاظ بر معانی یا از راه حسن است یا تخصیص، بنابراین دلالت الفاظ بر معانی‌شان دلالت وضعی و اعتباری است.

۲. واضع چه کسی است؟

با عنایت به اینکه در پیشین (حقیقت وضع) گفته شد که دلالت الفاظ بر معانی ذاتی نیست و وضع را اعتباری است؛ این سوال مطرح می‌شود که نخستین وضع کننده لفظ برای معانی، چه کسی بوده است؟ برخی بر این باورند که واضع باید شخصی باشد که گروهی در مقام تفاهم با آن شخص از وی پیروی می‌کنند.

گفته شده است که بشر بر حسب قوه‌ای که خداوند در انسان قرار داده است مقتضی است که برای بیان مقاصدش الفاظی را استفاده کند، لذا هنگام ارائه معنای خاص، لفظ مخصوصی را از جانب خود اختراع می‌کند و به مرور زمان از مجموع این اختراعات، دسته‌ای کوچک از الفاظ پدید می‌آید تا آنجا که زبانی بوجود می‌آید و سپس این زبان‌ها پراکنده می‌شود و تمییز می‌کند و دگرگون می‌شود و زبان دیگری بوجود می‌آید. این نظر نزدیک به صواب است.

دلیل انتخاب نظریه دوم: اگر واضع شخص خاصی بود باید در تاریخ هر زبانی ذکر می‌شد.

۳. وضع تعینی و وضع تعینی

وضع تعینی: اصل اولی در دلالت الفاظ بر معانی، ناشی از قرار داد و تخصیص و وضع واضع است. هرگاه واضع معنایی تصور کند و برای آن لفظی را انتخاب کند، وضع تعینی نامیده می‌شود.

وضع تعینی: گاهی لفظی در معنای غیر موضوع له با قرینه به کار می‌رود پس از مدتی این استعمال به حدی از کثرت می‌رسد که معنای دوم، بدون قرینه به ذهن می‌رسد.

۴. اقدام وضع

در وضع، تصور عقلی و معنی ضروری است زیرا لفظ نوعی حکم کردن بر معنی و لفظ است و حکم کردن بر چیزی بدون شناخت و تصور آن حتی به اجمال هم صحیح نیست. بنابراین اگر چیزی مجهول محض باشد به هیچ وجه نمی‌توان به آن حکم کرد.

تصور شی به دو گونه است: ۱. تصور بنفسه ۲. تصور بوجهه

تصور بنفسه: تصور خود شی با تمام خصوصیات آن مانند تصور یک انسانی که با تمام خصوصیات ظاهری آن تصور می‌شود.

تصور بوجهه: گاهی شی‌ای را که تصور می‌کنیم با تمام خصوصیات آن نیست بلکه تنها به عنوان شی‌ای یا حیوانی تصور می‌شود مانند اینکه مثلاً حیوانی یا شی‌ای را از دور می‌بینید، می‌توانید به سفید بودن یا سیاه بودن آن شی حکم کنید بدون اینکه بدانید حیوان است یا شی. بنابراین همانطور که می‌شود برای وضع لفظ آن را دقیقاً تصور کنیم می‌توانیم در وضع وجهی را تصور کنیم و همین کافی است.

تصور لفظ به دو صورت است یا بنفسه است یا بوجهه و از طرفی معنا گاهی کلی است و گاهی جزئی. بنابراین وضع عقلاً به چهار قسم، تقسیم می‌شود.

معنای متصور جزئی و موضوع له هم جزئی (وضع خاص و موضوع له خاص) یعنی معنای موضوع له، بنفسه تصور شده است مانند نام گذاری فرزند. معنای متصور کلی و موضوع له هم کلی (وضع عام و موضوع له عام) یعنی موضوع له کلی است که بنفسه تصور شده است مانند اسماء اجناس از قبیل آب، آسمان، انسان، ستاره، حیوان و...

معنای متصور کلی اما موضوع له افراد این کلی است نه خود کلی (وضع عام و موضوع له خاص) بدین معنا که موضوع له جزئی است که بوجهه تصور شده است مانند سی حرف، اسماء اشاره، ضمائر، ادات استفهام و... معنای متصور جزئی و موضوع له کلی همان جزئی است (وضع خاص موضوع له عام).

نکته: در امکان سه قسم این شکی نیست همانطور که در وقوع دو قسم اول شکی نیست. تنها اختلاف در امکان قسم چهارم و وقوع قسم سوم است. نظر علامه مظفر (ره) بر ممتنع بودن قسم چهارم است اما در مورد وقوع قسم سوم ایشان قائل به وقوع آن است.

۵. ممتنع بودن قسم چهارم

نزاع در این بحث بر سر این است که آیا خاص می تواند وجه و غایی برای عام باشد یا خیر؟ زیرا معنای موضوع له باید یا بنفسه و یا بوجهه تصور شود زیرا حکم کردن بر مجهول محال است. و فرض بر این است که در این قسم موضوع له لحاظ نشده است و اگر موضوع له حتی به شکل خاص هم تصور می شد در قسم دوم (وضع عام و موضوع له عام) بود. لذا برای قائل شدن به امکان این قسم باید قائل به این باشیم که خاص می تواند وجهی از وجوه عام باشد اما بر هر متفکری روشن است که خاص از وجوه عام نیست بلکه عام از وجوه خاص است چون عام در اینجا اصلاً تصور نشده است نه بنفسه و نه بوجهه.